

فصوان بهائی در طلب حقوق خدا داده باید ثابت قدم باشد

این عصر عمل است. انشعاری را عاقل گویند که چون اصولی بنویسد و قضا
شمره بدست آورد مادام که امر آنها را در حیات خود بخوبی بداند و هر یک از
این اصول را بسبب ریشه و توحیدی معنوی و جهانی خود در دیگران نماید و الا اگر
بکلیت با فاعله قناعت کند و به اظهار مواجعه عالی خود مطلقان بخشود
گردد و در تمام عمل بکوشد و در از ادوات و مکان دیوانه تر داند زیرا دیوانه
نشد اندوختنی نقد لافا سیویتی برادر دینی آید اما این شخص میدانده ولی قصد
نمکند تا او را بر دوشای می و غریبی خود را از حیرت قول بمنتهی شهود رساند
حضرت سید ابی طالب ششم را در غالب مثل بدآورده میفرماید: "تا بر این برس
این سخنان مرا استماع نماید و آنها را بفعل آورد و از بردن انانی تشبیه تمام نماید
خود را بر روی سنگت و سلس گزارد و وقتیکه باران میبارد سیلابها را در
باد بپوزد و از هر جهت بر آنخانه حمله نمایند چون مانع را از سنگت نیاند
تشریح شود و خواب نگیرد و در کس اینکات مرا گوش داده و مطابق آن عمل
کنند بر دجالی بود که خانه خود را بر یکت بنانند پس بدانید سید ابی طالب
گرفت و با دگر بوزد و بر آنخانه حمله نمایند و نهند و خواب سازند و انهدام آن
عظیم خواهد بود"

حاصل بیشتر از نصیحت سال است که اگر بر هر کتاب اقدس در خصوص تربیت
و لذایذ نبات و عظم نهاد علم و خط و دونهما از سبب اشتباهی نماند گشت
و در میان ایشان از نگاه و در کاف ارباب و هر یک تشریف با وجود
گویند بنویسند چنین است که سبب است یعنی در خصوص اجرای
این امر مقدس ظاهر شده. نه اینکه در امتداد تفرات کلیه حاصل گشته
و ترفیات نمی بدست نباده ولی اگر هست و درشت و طلب نوان گشته
بود تا به توحیدی تر و از زنده به زنده غالب عمل ظاهر میگشت. عدم افتخار
سطلب از دو صورت خارج نه یا اینکه نوان گویند این امر را شنیده ایم در
و صورت سببونی بر آنها وارد نیست ولی اگر شنیده اند و از دور
صورت خارج نه یا اینکه انقدر غلبی ولی قیدی بر آنها غلبه نموده که در کمال
شدن بکثرت عالم انسانی نیستند و با آنکه در طلب انجوتی خدا داده الی
از مردان میرسد که یکی از آنها از روی غلبه دیگر گویند: "ضعیف نفهم این
امر بنوعی ترا که بر آن داشته که خود را بخود بر انشی گهی بر وفق کار
شوری و طباطبی و چاروب گشی و بچیداری خودت ترا به علم و معرفت چه
کی ترا بر آن باز داشته که این فضولها را بکنی بر وقت اراده جماعی با
بر آن قرار گیرد و در حقیقتی تو خواهی داد تا بعضی در جامه است و در حقیقت
بخش نیست. چه قدر در دست از نوان بهائی اینقرن طلعه شده
و بعد از نزول از کتاب اقدس و بعد از اداره انجمن طه و الواح حضرت
عبدالهادی در انجمن با خواجای اجمالی معنی سکت شوند و خواستش کردند
اینها بر آن عزیز روحانی خداوند باری تعالی بشما عاقل داده تا فکر کنید زبان
داده مانع نباشد دست داده تا بنویسد قوای مد که داده تا فکر کنید زبان
خود جذب نماید و بر شری را در فکر کنید خودمان بنصب باید بفرستیم علوم
و فنون این عصر بنفید بعضی مردان ملت که نمی کنند هیچ نفقه مشکافی در
صورت عاقله مندرسه پوسیده و بجوی قدماشان میگردد و شمارا از کسی
در هیچ بجا باز پیدا نرند. هر از این سر است که شایه زبان شرق
این قوای جهانی را بکار بنداخته آید در گوشه خانه با سکت نشسته آید

جدا تا زمانه نمودید زیرا شنیده بودند که شواتیان گفته اند
در غری بر رانی به بند. و با بکثرت نون لذتی بر آید بچند. و هر روز لذت
انبردان خود و صفت و شرفیت کانس زهر عالمی را چون او حیات نوشیدیم
چیز تجربه برداشته و چه غرضی بر چیدید کدام بکثرت اثر ابدی از خود در عالم
قون و معارف گذارید. اگر بندرت زنی عاقله فاضله در شرق مویله
شد آن لذتی قانون خصوصی نه میلی بود. باز تعقیبات منهی غلبه داشت
و ظهور یکت همه گلی را انجمنان خلاصت بهار شود باری هر قدر صبر و صله
نمودید و بخت و رشت فطری را اظهار کردید مردان جور و عتاف خدا
زیاد تر نمودند. حال بیاید یکت جذبی هم از زاده خول و نسبت
بیرون آید از نگاههای نوم غفلت خارج گردد قوای عقیده را بکار بندید
در بیا دین حیات داخل شوید. در قوای کار اینقرن بر دزد کند بکثرت
و فتوحات نمایان بدست آید سازا بجا آید در کانس تطهیری هیچ اند
کنند حد فکر کنند. لایب علیه باشد و در ترقی نفوس خود و ظاهر این
شرقی جدید بیخ نماند. اگر کتب فریبان که در وضع حیات زمان شرق
و جهل و نادانی آنها نوشته اند بخوانید خون میگریستید و سعی نمیدید تا آنکه
نقد سیاه از صفحات تاریخ غرب پاک شود و بعد و دانی مشهور آفات
گردید. بخت را بچند کنید و سوره های نادانی را بکوزانید این عصر
نوان است. حتی شاید است که گشتا بکثرت قیام نماید تا بدست
ایمی بی ادبی درید و در با نهایان را گویا نماید آنها را حقایق و معانی حیرت
سیدی محمد از انسان جاری کند. جمال قدم حالی شایست حضرت
عبدالهادی با بیدار الهات جسی بهر است در زرش باران رحمت
مستمر باشد تا بکثرت استقامت بگری سرگی در انجمنان داخل نماید اگر در
از انجمنان غریزی بر دزد آسان است زود بر گردید با نکات اول جمود
خانه نشینی سکوت. عبودیت مردان اقدس علیه السلام

جمال قدم جل اسماء اعظم نهایت حراحت ارمیفرانید که امروز در سکوت
انسان باید ناظر باشد نه حاست قائم باشد نه قاعده. از چه میفرمایند
پس ایوم یوم الوقوف کن طائرانی هوا و لا تقطع. و همچنین میفرمایند
"خرج عن خلف حجاب القهت باسم ربک الرحمن با کلمه و البان و همچنین
ثم باذن ربک ثم تحرر القلوب بهذا الاسم الذی جددتم بهیضا لا سماء
و همچنین: بل ایوم یوم المسکون لا درت العالمین بل ایوم یوم القهت
لا نفسی الحق و انتم من العارفين قد اتمرت کلتی من نعمات الوهی با تم سکون
فی تعاهدکم و انتم من المخلصین. و همچنین میفرماید: "فانوا من الاجساد
الی سماء و قدودن. و همچنین ایوم یوم لا صطبار انه مجود الا فی
ذکر الی عزیر البدیع. و همچنین: "دع المونی بانفسهم ان ادخل ملکوت البکات
باسم ربک العزیز العزیز. و در مقام آخری هر یکت لا اله الا الله
میفرمایند: "راکون جاشا و قد جاد یوم القهت ثم باری علی ذکری و انما
من عبودی و لا کن من الزاهین

حال در بیانات فوق درست تعین نماید در بجه حراحتی شمارا از برقیام و حق
و بیان میفرمایند خواهران شرقی باید شب و روز در اجرای این ادب و قاطعه
بکوشند هیچ حادثه آنها را از نذر باز ندارد و اگر یک از بیان رفت فی انفس
جمع قیام نمایند تا جای او برگردد و خرج تربیت و تبلیغ و ترقیات نومی
دا تا در گردش و دوران باشد

این ابراهیمی تعدیس از اشخاص و خدایات آنهاست جمیع نفس
 محتاج باین ابرهه کند نه ابرهه را محتاج باینها قسم بحال ببارک الله
 بدست یکدیگر دیدیم نیست شاید در تحصیل علوم و فنون جادو
 کند توانی از زبان قیام نمایند که غبطه زبان اردب و در کتب
 دانند سوره ای که از حق عالم آسمانی طلوع نمایند معجزه خدایست
 کردند و بقوه نطق در بیان تسخیر دامن لوداج کشند و دانه قرن خواستی
 گذشت هر سخنان آتش بار آمد! دوره اسارت و جهل سپری شد
 زبان که ای غیر و علم در سیده! چراغ روشنیهای کلمات و لطافت
 خواستش گردید الکتریک کار عقل روشنی بخشیده! باغبان الهی
 درختان بی ثمر از زایش بیرون آورد و در دانش انگشت و نهانهای دانش
 و بیش و بس نمود! ای خدایان روحها! چرا شما خود را از تادول این
 میوه ای لذت خود نمائید و لذت آتش سیدن این باطن و طبع خود را
 سفره غایبات الهی در جلوی رویان گسترده است قفسی گریه
 کرمیت جام لبریز فضائل و کمالات بدو آورده از آن نوشید
 خویت جعفی قدم نهاده فریاد برآید :-

زین همه است غلامم گرفت شیر خدا و رستم دستم آید دست
 جانم ملول گشت ز غم و غم از ان نورددی موسی غلامم آید دست

آدل کفرانس بهائی در ایالات غرب امریک

آدل کفرانس بهائیان ایالات غرب امریکاد با نور در شهر انفریسکو
 منعقد گردید و سه روز و سه شب در جلسه ای مختلفه مساعی در منوط
 نشر نجات الهی بود مطرح شادمانی گشته اسلستی برای استقبال گذارند
 شد. حضرت عبدالباقی که باغیور شادان شبیه بارش مقدس فرموده اند
 انعقاد چنین کفرانسی در این اقلیم شایسته آن بود که در غلیظین تائیس شده
 از شهرهای مختلفه ایالات غرب شایسته سیاتل اسکوان آلو
 سنا با بار سنا با سنا سنا و سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا
 و غیره چندین در نهایت اشتغال و انجذاب حاضر بودند هر چه
 عصر باران الهی و نمانده گان در جلسه ای روحانی در مطالب امری مشورت
 میکردند و در سنا پس از مذاکرات دقیقه بحسب وحدت با اکثریت آراء
 رفق و قنونی شد. شب آجالس عمومی در تالار بزرگی منعقد و ناظرین
 بهائی طلیق لسان در حضور جم غفیر از یار و اغیار از تاریخ و تعلیم جا
 هر محبت نمودند و میزادان نفوس در آن مجالس آلهه بنجد با بر بار
 گشتند و جرات یوتیه مقالات مقصود و دشر نمودند و آلائه امراته
 مجوس دور و نزدیک رسانیدند افق افکار و شیفته اتحاد ادین و سنج
 شش و صورت محس تعجبات در تاریکی مخفی ماند آتش محبت آلهه در غلبه
 روشن گردید محبوب وحدت افکار پرده از چهره بر افکند آلهه در کلمات
 الهی در وجه ظاهر و پدید آید سنجی از آثار این کنگره آلهه در محبت
 نویدی عجبی نمایان شد و آن آینه جمیع نمانده گان و اجا که از شهرهای مختلفه
 آمده اخای سنا فرانسسکو آنها را در خانه ای خود پنهان توانی نمودند
 و نگذاشتند بیکدیگر در محبت با نماند و لهذا آن وحدت صفتی که مقصود و منظور
 مقدسه الهیه است نمودار شد و همچنین یکی از بزرگترین نیازهای

آنکه پس از شادمانی و یاد چنین قرار شد که در سال آینده یک مجمع عمومی
 باسم کنگره اتحاد عالم در شهر سنا فرانسسکو منعقد گردد و بزرگان و عقلا
 جمیع مل و ادیان و محفل و فرق انجا حاضر شوند و طلبه های عمومی آن کنگره
 یک هفته طول خواهد کشید نمانده گان مل و ادیان نطق اول و خواهند
 نمود و ابواب آن کنگره بر جمیع عالمیان مفتوح خواهد بود و هر حزبی از ادیانست
 و تاریخ و عقاید و علوم و فنون و ادب و دینیه و غیره سخن خواهد برد و سنجی
 و نهمای مل مختلفه را خواهند سید سنا کنگره اتحاد افغان عمومی جدید خواهد
 شد و اگر سنا از نمانده ای آسمانی قست خواهند گرفت و باینوسی
 نبوت کتب مقدسه دانند که حضرت عبدالباقی تحقق خواهد یافت
 و سنجین این کنگره چنین امید دارند که از بهائیان شرق ناظرین بدو
 و خلافت آسمانی در آن مجمع حاضر گردند و زراستی نیست در چنین کنگره اتحاد
 و شش حقیقت است که بر قلوب باران الهی تابید و شد و الهامی بود و
 جهان پنهان جلوه نمود و جمیع حساس نمودند که انعقاد چنین مجمع عمومی بزرگترین
 خدمت بهشت جامعه بشری است. شب آخر سنا مفصلی در
 تالار بزرگی منعقد گردید و نمانده ای بیت دیک مل و ادیان بزرگ
 ترین گله و انوار نشسته با هم دیگر مشورت و موافقت نمودند و از غذا آکی
 جسانی در دهانی منعقد گشتند و مجلس علمی بود فی الحقیقه هوای آن
 تالار پر از روح بود نطق ای بیج آمیزی داده شد و سرود فرخ غری نمایان
 گردید مجلس اجار الهی بر داشته شد و آن مجلس با مجلس شرق و غرب
 شبکانو در شانه قبل بخیم با نذر در قسمت انگلی چاپ شمر آلهه از
 نظر یاران خواهد گذشت. همچنین آلهه سنجین پیش که در
 ایام صعود حضرت عبدالباقی در حفا بودند نطقی آتشین از شرح ان واقعه
 جان گذار داد و نمودند و جان تقاضیل بحزن آینه آن روزهای آخر
 مرکز بیان را بجم نمودند و کوشیا حاضرین بحشم خود میدیدند آن لطف
 رب رقت در وحایت قلوب گردید و کل با خود عهد نمودند که بعد از
 آن ساعت اوقات خود را وقف آتش رحالیم قدسی نمایند و در
 سرودل هیچ فکر جز یگانگی و وحدت و دوستی نداشته باشند
 سنا دیگر که در این کفرانس سخن گردید چاپ نشه یوتیه "بزرگ احمد
 سواب بود. سنا ریه در مدت هشت سال که در کتاب حضرت مل
 بخودت مختلفه مشغول بود یوتیه "بک انگلی روز بروز از شرح احوال
 بیانات و ششم مریضه و حکایات و ذرات بارکت فوشت و ان یوتیه
 و آفاق غریب در میان یار و اغیار نشر می یافت و حال که آن حال
 الهی صعود بعوالم اخوی نمود جمعی قیام نمودند و از نویسنده خواهش کردند
 که حاجات بدن است آن ادراک را جمع آوری نموده جلد اول
 آن را بر زدی چاپ نمایند و این کتب بکسهای مختلفه مقصود خواهد شد
 و اگر بعضی از یاران شرق طالب بدست آوردن جلد اول هستند نویسنده
 را بواسطه تخم با نذر خواهند برای آنها فرستاد و جلد بدست قست جلد
 اول در دولا بدیم خواهد بود. باری اول کفرانس بهائیان غرب امریک
 روحانی بود و آسمانی بر لانا انجذاب و شغف بعد و حور جدیدی در
 عالم امر مفتوح نمود و انار شش بدی و سرمدی خلا بدگشت



[The page contains dense handwritten Persian calligraphy, likely from a historical manuscript or legal document.]